Original Article Open Access

Health Law Journal

2025; 3: e18

International ThinkTank of Human Dignity | The Bioethics and Health Law Institute | The Iranian Association of Medical Law

The Role of Nutrition laws and Nutritional security in Sustainable Tourism Development Based on the Principles of New Urbanism: A Case Study of the Central Core of Tabriz

Mohammad Hossein Kangari[1], Mostafa Behzadfar[2*], Akbar Abdollahzade Taraf[1], Hasan Sattari Sarbangholi[1]

1. Department of Architecture and Urban Planning, Ta.C, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
2. Department of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: In recent decades, with the expansion of urbanization and increasing pressure on urban resources, challenges related to nutrition laws, quality of urban life and tourism sustainability have received more attention than ever before. In the meantime, newurbanism, as a new approach to designing and recreating urban spaces, with an emphasis on mixed use, pedestrianization, preservation of historical context and social participation, provides a suitable context for achieving sustainable development goals. This research, with the aim of examining the role of newurbanism principles in promoting nutritional security and nutrition laws in the context of urban tourism, focused its case study on the historical-central core of Tabriz.

Methods: In order to achieve the goals of this study, a research method based on a qualitative-quantitative approach was used using field observations, including questionnaires and interviews with residents, tourists and local experts within the historical market of Tabriz and the surrounding streets.

Ethical Considerations: This research was conducted in compliance with the principles of research ethics. Participants participated in the study with informed and voluntary consent and their information was used confidentially and without the possibility of individual identification. The cultural and social values of the central core of Tabriz were respected and the data were used solely within the framework of scientific goals and without conflict of interest.

Results: The data obtained show that the existence of open spaces, local markets and access to healthy food in the city center is an important factor in increasing tourist satisfaction and ensuring nutritional justice for residents. On the other hand, the lack of some public infrastructure and urban services, such as rest areas, drinking water and sanitation, is an obstacle to the full realization of the goals of neo-urbanism and urban nutrition.

Conclusion: The present article attempts to provide an integrated model for urban policymaking in the areas of nutrition, tourism and urban design. The findings of this research can be considered as a basis for formulating urban policies based on food rights, strengthening local markets and designing public spaces with a focus on tourists and local residents.

Keywords: Newurbanism; Nutritional Security; Nutrition Laws; Urban Tourism; Tabriz; Sustainable Development

Corresponding Author: Mostafa Behzadfar; **Email:** behzadfar@iust.ac.ir

Received: August 25, 2025; **Accepted:** November 01, 2025; **Published Online:** December 06, 2025

Please cite this article as:

Kangari MH, Behzadfar M, Abdollahzade Taraf A, Sattari Sarbangholi H. The Role of Nutrition laws and Nutritional security in Sustainable Tourism Development Based on the Principles of New Urbanism: A Case Study of the Central Core of Tabriz. Health Law Journal. 2025; 3: e18.

Copyright©2025, the Authors. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format for any purpose, even commercially) and Adapt (remix, transform and build upon the material for any purpose, even commercially) under CC BY 4.0 terms.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

دسترسی آزاد | مقاله پژوهشی

مجله حقوق سلامت

دوره سوم، ۱۴۰۴

نقش حقوق تغذیه و امنیت غذایی در توسعه گردشگری پایدار بر پایه اصول نوشهرگرایی: موردپژوهی هسته مرکزی شهر تبریز

محمدحسین کنگری[۱]، مصطفی بهزادفر[۲*]، اکبر عبداله‌زاده طرف[۱]، حسن ستاری ساربانقلی[۱]

۱. گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در دهه‌های اخیر، با گسترش شهرنشینی و افزایش فشار بر منابع شهری، چالش‌های مرتبط با امنیت غذایی، کیفیت زندگی شهری و پایداری گردشگری بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این میان، نوشهرگرایی به عنوان رویکردی نوین در طراحی و بازآفرینی فضاهای شهری، با تأکید بر کاربری مختلط، پیاده‌مداری، حفاظت از بافت تاریخی و مشارکت‌پذیری اجتماعی، زمینه‌ای مناسب برای تحقق اهداف توسعه پایدار فراهم می‌آورد. این پژوهش با هدف بررسی نقش اصول نوشهرگرایی در ارتقای امنیت غذایی و حقوق تغذیه در بستر گردشگری شهری، موردپژوهی خود را بر هسته تاریخی ـ مرکزی شهر تبریز متمرکز ساخته است.

روش: در راستای دستیابی به اهداف این پژوهش از روش تحقیق مبتنی بر رویکرد کیفی ـ کمی با استفاده از برداشت میدانی شامل پرسشنامه و مصاحبه با ساکنان، گردشگران و متخصصان محلی در محدوده بازار تاریخی تبریز و خیابان‌های پیرامونی استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: این پژوهش با رعایت اصول اخلاق پژوهش انجام شده است. مشارکت‌کنندگان با رضایت آگاهانه و داوطلبانه در مطالعه شرکت کرده‌اند و اطلاعات آنان به صورت محرمانه و بدون امکان شناسایی فردی استفاده شده است. به ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی هسته مرکزی شهر تبریز احترام گذاشته شده و داده‌ها صرفاً در چهارچوب اهداف علمی و بدون تعارض منافع به کار رفته‌اند.

یافته‌ها: داده‌های به دست‌آمده نشان می‌دهد که وجود فضاهای باز، بازارهای محلی و دسترسی به غذای سالم در مرکز شهر، عامل مهمی در افزایش رضایت گردشگران و تأمین عدالت تغذیه‌ای برای ساکنان است. از سوی دیگر، کمبود برخی زیرساخت‌های عمومی و خدمات شهری نظیر فضاهای استراحت، آب شرب و سرویس‌های بهداشتی، مانعی برای تحقق کامل اهداف نوشهرگرایی و تغذیه شهری به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری: مقاله حاضر تلاش دارد الگویی تلفیقی برای سیاستگذاری شهری در حوزه‌های تغذیه، گردشگری و طراحی شهری ارائه دهد. یافته‌های این تحقیق می‌تواند به عنوان مبنایی برای تدوین سیاست‌های شهری مبتنی بر حقوق تغذیه، تقویت بازارهای بومی و طراحی فضاهای عمومی با محوریت گردشگر و ساکن محلی در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی: نوشهرگرایی؛ امنیت غذایی؛ حقوق تغذیه؛ گردشگری شهری؛ تبریز؛ توسعه پایدار

نویسنده مسئول: مصطفی بهزادفر؛ **پست الکترونیک:** behzadfar@iust.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۸/۱۰؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۴/۰۹/۱۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Kangari MH, Behzadfar M, Abdollahzade Taraf A, Sattari Sarbangholi H. The Role of Nutrition laws and Nutritional security in Sustainable Tourism Development Based on the Principles of New Urbanism: A Case Study of the Central Core of Tabriz. Health Law Journal. 2025; 3: e18.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

مقدمه

۱. امنیت غذایی شهری و چالش‌های آن در قرن بیست و یک: در قرن بیست و یکم، شهرها با چالش‌های پیچیده‌ای نظیر رشد سریع جمعیت، تغییرات اقلیمی و نابرابری در دسترسی به منابع رو به رو هستند. این چالش‌ها موجبات تهدید امنیت غذایی و عدالت در توزیع و دسترسی به غذای سالم را پدید می‌آورند. این تهدیدات لزوم دستیابی به راه حل‌های علمی در این حوزه را بیش از پیش پررنگ‌تر می‌کند. در این بین نظریات مختلف در حوزه‌های مرتبط با زندگی اجتماعی در پی رفع مشکلات ناشی از این تهدیدات است. برخی از این نظریات در حوزه‌های مختلف، نقاط مشترکی دارند که در صورت تقویت و اصلاح و همسوسازی این نقاط می‌توان به اهدافی که با حوزه‌های دیگر مشترک هستند، دست یافت. امنیت غذایی شهری به عنوان دسترسی همگانی به غذای کافی، مغذی و ایمن تعریف می‌شود که نقش محوری در حفظ سلامت فردی و پایداری اجتماعی ایفا می‌کند. با بررسی پژوهش‌های اخیر که در این حوزه انجام گرفته، می‌توان به تأکید بر تأثیر همزمان عوامل اقتصادی، فضایی و نهادی بر وضعیت امنیت غذایی پی برد (۱). سطح شهری‌شدن و درآمد خانوارها به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های کلیدی ناامنی غذایی معرفی شده است که نشان می‌دهد خانوارهای کم‌درآمد در معرض ریسک بالاتری قرار دارند (۲). همچنین تأمین غذا باید به عنوان زیرساخت شهری در نظر گرفته شود، زیرا با شبکه‌های آب، انرژی و حمل و نقل درهم تنیده است (۱). در این مسیر سیاستگذاری مؤثر نیازمند رویکردی فرابخشی است که عدالت اجتماعی و توزیع فضایی منابع را همزمان مد نظر قرار دهد (۱، ۳). گام نخست برای طراحی مداخلات هدفمند و پایدار، شناسایی موانع چندگانه است که تأمین و امنیت غذایی را تهدید می‌کند (۳).

۲. نوشهرگرایی و نقش آن در تلفیق تغذیه شهری و گردشگری پایدار: نوشهرگرایی به عنوان جنبشی اصلاحی، با اصول ده‌گانه قابلیت پیاده‌روی، ارتباط‌پذیری و تداوم، کاربری‌های مختلف و تنوع، مسکن‌های مختلط، معماری و طراحی شهری با کیفیت، ساختار سنتی محله‌ها، تراکم افزایش یافته، حمل و نقل هوشمند، پایداری و کیفیت زندگی بر طراحی انسان‌محور و تقویت بافت‌های تاریخی تمرکز دارد تا شهرها را زیست‌پذیرتر سازد (۴). در شهرهایی مانند تبریز که به جهت قدمت تاریخی و وجود اماکن دیدنی مانند بازار تاریخی ثبت‌شده در یونسکو، پتانسیل تلفیق تغذیه و گردشگری برجسته است، چراکه برنامه‌ریزی فضایی به ویژه از طریق تأکید بر کاربری مختلط زمین و فضاهای پیاده‌مدار می‌تواند دسترسی به غذا را تسهیل یا محدود کند (۱). مطالعات نشان می‌دهند که عدم تطابق شبکه‌های توزیع با نیازهای محله‌ای، دسترسی فیزیکی و اقتصادی را کاهش می‌دهد (۱). همچنین ارتقای ذخیره‌سازی محلی و اتصال تولیدکنندگان به بازارها، جریان عرضه را در بحران‌ها حفظ می‌کند (۵). علاوه بر این، سیاست‌های فرابخشی که غذا را به عنوان مؤلفه زیربنایی می‌شناسند، تنوع و ایمنی غذایی را تضمین می‌کنند (۱). در کنار این موارد، مشارکت ذی‌نفعان محلی در تدوین و اجرای سیاست‌ها، تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر عدالت و تاب‌آوری را تقویت می‌نماید (۳).

۳. کشاورزی شهری به عنوان ابزاری برای افزایش تاب‌آوری و دسترسی غذایی: یکی از مهم‌ترین اصول نوشهرگرایی، پایداری است که تأکید بر کشاورزی شهری می‌تواند نقش این اصل را ایفا کند. کشاورزی شهری با نزدیک‌کردن عرضه محصولات تازه به تقاضا، وابستگی به زنجیره‌های طولانی را کاهش می‌دهد که این امر می‌تواند به ایجاد فرصت‌های اقتصادی خرد و بهبود دسترسی اقشار کم‌درآمد منجر شود (۲). با این حال، پایداری آن وابسته به طراحی و مدیریت مناسب است تا از پیامدهای منفی زیست‌محیطی اجتناب شود (۲). ترکیب باغ‌های عمومی شهری و کشاورزی عمودی، تنوع غذایی را در محله‌ها افزایش می‌دهد (۵). این امر نه‌تنها بخشی از منابع غذایی مورد نیاز زندگی شهری را فراهم می‌کند، بلکه حس تعلق را نیز تقویت می‌نماید (۲). از سوی دیگر بازطراحی سیاست‌های کاربری

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

زمین و تسهیلات مالی، استمرار این نوع فعالیت‌ها را تضمین می‌کند (۲).

۴. عدالت تغذیه‌ای و موانع اقتصادی ـ فضایی در محلات حاشیه‌ای: عدالت تغذیه‌ای فراتر از تضمین مقدار کافی غذا، توزیع تنوع، کیفیت و ایمنی را میان گروه‌ها الزامی می‌سازد. در محلات غیر رسمی، نابرابری فضایی و اقتصادی منجر به کمبود مواد مغذی می‌گردد (۲). در این بین، چالش‌هایی مانند درآمد پایین و هزینه بالای غذاهای سالم، تنوع رژیم غذایی را محدود می‌کنند (۲). یکی از مداخلات پیشنهادی می‌تواند شامل انتقال درآمدی و بازارهای محله‌ای ارزان برای بهبود دسترسی اقتصادی باشد (۳). همچنین تقویت تعاونی‌ها و باغ‌های جمعی، ظرفیت‌های اجتماعی محله‌ها را افزایش می‌دهد (۵). از سویی تلفیق نمایندگی‌های محلی در تصمیم‌گیری، مشروعیت و کارایی سیاست‌ها را ارتقا می‌بخشد (۱).

۵. تاب‌آوری غذایی در برابر تغییرات اقلیمی: تغییرات اقلیمی بر عرضه، قیمت و ایمنی غذا در شهرها تأثیر عمیقی دارد (۳). این تغییرات را در دو شکل متفاوت آن شامل کوتاه مدت (مانند تغییر فصول و...) و بلندمدت (تغییرات ناشی از گرم‌شدن زمین و...) می‌توان مورد بررسی قرار داد. مشاهدات و بررسی‌ها نشان داده‌اند که شهرهایی با زیرساخت‌های تقویت‌شده و آینده‌محور مانند توزیع محله‌ای، اختلالات کمتری در بحران‌ها تجربه می‌کنند (۵). همچنین برنامه‌ریزی با اهداف بلندمدت شامل سناریونویسی اقلیمی و ارزیابی ریسک‌های موجود در زنجیره تأمین غذایی می‌تواند به اختلالات احتمالی در تأمین مایحتاج زندگی را کمتر کند (۳). در تبریز، تلفیق نوشهرگرایی با سیاست‌های غذایی، می‌تواند دسترسی و تجربه گردشگری را بهبود بخشد. مداخلات پیشنهادی و ارتباط آن‌ها با اهداف امنیت غذایی در قالب جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: مداخلات پیشنهادی و ارتباط آن‌ها با اهداف امنیت غذایی

مداخله پیشنهادی	هدف اصلی	پیامد مورد انتظار (کوتاه‌مدت)	پیامد مورد انتظار (بلندمدت)
توسعه کشاورزی شهری و باغ‌های محله‌ای	افزایش عرضه محلی و تنوع غذایی	دسترسی سریع‌تر به میوه و سبزی تازه در محله‌ها	کاهش وابستگی به زنجیره طولانی و ارتقای تاب‌آوری
تقویت زیرساخت توزیع و ذخیره‌سازی محله‌ای	کاهش اختلال در تأمین در بحران‌ها	عملکرد بهتر شبکه عرضه در شوک‌ها	افزایش ثبات قیمت‌ها و دسترسی
بازارهای محلی و فضاهای پیاده‌مدار	بهبود دسترسی فیزیکی و تجربه تغذیه‌ای	افزایش رضایت‌مندی گردشگران و شهروندان	تقویت اقتصاد محلی و عدالت فضایی
سیاست‌های حمایتی اقتصادی هدفمند	افزایش توان خرید اقشار آسیب‌پذیر	کاهش فوری ناامنی غذایی	بهبود پایدار در وضعیت تغذیه‌ای گروه‌های کم‌درآمد
مشارکت و حکمرانی محلی	افزایش مشروعیت و کارایی مداخلات	پذیرش و استمرار برنامه‌ها	تقویت سرمایه اجتماعی و پایداری برنامه‌ها

۶. ادبیات پژوهش: مطالعات امنیت غذایی و نوشهرگرایی در دهه اخیر رشد چشم‌گیری داشته است. گزارش سازمان غذا و کشاورزی (FAO: Food and Agriculture Organization) بر لزوم تاب‌آوری سیستم‌های غذایی شهری در برابر بحران‌هایی مانند تغییرات اقلیمی تأکید می‌کند و نقش سیاست‌های شهری در تأمین امنیت غذایی را برجسته می‌سازد (۶). حق بر غذا، به عنوان یک حق بنیادین در منشور جهانی حقوق بشر و کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بر دسترسی فیزیکی و اقتصادی به غذای سالم و مناسب تأکید دارد (۷).

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

امنیت غذایی شهری فراتر از تأمین مقدار کافی کالری است و شامل دسترسی اقتصادی، دسترسی فیزیکی، تنوع غذایی، ایمنی غذا و تاب‌آوری در برابر شوک‌ها می‌شود؛ پژوهش‌های معاصر بر لزوم نگریستن به غذا به عنوان یک زیرساخت شهری تأکید کرده‌اند تا سیاست‌ها صرف رویکرد بخشی نباشند (۶). مطالعات مروری و تحلیل‌های میدانی نشان می‌دهند که شهرها با از دست‌دادن پیوندهای فضایی با منطقه پیرامون و تغییر کاربری زمین، آسیب‌پذیری‌شان در برابر اختلال عرضه و افزایش هزینه‌ها رشد می‌کند و این امر گروه‌های کم‌درآمد را بسیار بیشتر در معرض ناامنی قرار می‌دهد (۹-۸). علاوه بر این، چهارچوب‌های نوین تاب‌آوری بر اندازه‌گیری همزمان ظرفیت جذب شوک، قابلیت تطبیق و توان بازسازی سیستم غذایی تأکید می‌کنند تا مداخلات سیاستی بتوانند اثرپذیری شهر را در مواجهه با بحران‌های اقلیمی و اقتصادی کاهش دهند (۷). نتیجتاً سیاستگذاران شهری باید اطلاعات فضایی ـ نهادی زنجیره غذا را تولید کنند تا کاستی‌های محله‌ای شناسایی و مداخلات هدفمند طراحی شود (۶، ۱۰). رویکرد سامانه‌ای همچنین نشان می‌دهد که تمرکز صرف بر عرضه کالری بدون توجه به کیفیت غذایی و تنوع غذایی، خطر بروز سوءتغذیه‌های مخفی و نابرابری‌های تغذیه‌ای را تداوم می‌بخشد (۸). به همین دلیل، مطالعات پیشنهادی تصریح می‌کنند که تحلیل هم‌پوشان دسترسی، زیرساخت و حکمرانی برای طراحی سیاست‌های مؤثر ضروری است (۶، ۷). در مجموع، ثبات دسترسی غذایی در شهرها مستلزم تلفیق فضای شهری، حکمرانی محلی و تدابیر اقتصادی است تا حق بر غذا برای همه تحقق یابد (۹).

تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که برنامه‌ریزی فضایی و مدیریت کاربری زمین نقش تعیین‌کننده‌ای در تسهیل یا مانع‌تراشی دسترسی غذایی دارند و فقدان هم‌راستایی بین کاربری‌ها و شبکه توزیع می‌تواند دسترسی محله‌ای را محدود سازد (۷-۶). منابعی که نقشه‌برداری از زنجیره تأمین و نقاط ضعف محله‌ای را توصیه می‌کنند، نشان می‌دهند که ایجاد مراکز توزیع محلی، بهبود حمل و نقل خرده‌فروشی و تأمین زیرساخت ذخیره‌سازی می‌تواند در شرایط بحران اختلالات را کاهش دهد (۹). مطالعات موردی، ارتباط مثبت بین تقویت زیرساخت توزیع و ثبات قیمتی را تایید می‌کنند، به طوری که شهرهایی با شبکه‌های توزیع محله‌ای مقاوم، بهتر توانسته‌اند دسترسی را در زمان شوک‌ها حفظ کنند (۱۰). علاوه بر این، ادبیات مرتبط با «زیرساخت» بر این نکته تأکید دارد که خدمات شهری دیگر (آب، برق، حمل و نقل) عملاً عملکرد زنجیره غذا را شکل می‌دهند، لذا سیاست‌های غذایی باید در تعامل با سیاست‌های زیرساختی طراحی شوند (۶). نتیجه عملی این یافته‌ها آن است که برنامه‌ریزی شهری که غذا را به عنوان یک مؤلفه استراتژیک در طرح‌های کالبدی در نظر می‌گیرد، قابلیت تاب‌آوری شهری را افزایش می‌دهد (۸-۷). بنابراین، یک بسته سیاستی مؤثر باید شامل بازطراحی کاربری زمین، تقویت زیرساخت توزیع محلی و ایجاد مشوق‌هایی برای بازارهای محلی باشد (۹).

کشاورزی شهری و تولید محلی، به عنوان راهبردی عملی برای افزایش عرضه تازه و متنوع غذا، در ادبیات تازه جایگاه برجسته‌ای یافته است و بررسی‌های گسترده نشان می‌دهند که این مداخلات می‌توانند هم منافع تغذیه‌ای و هم اقتصادی و اجتماعی فراهم آورند. با این حال، مطالعات سیستماتیک هشدار می‌دهند که کاربرد کشاورزی شهری به خودی خود تضمین‌کننده پایداری نیست و طراحی فنی، قوانین کاربری و پشتیبانی نهادی می‌تواند تفاوت میان موفقیت و شکست را رقم بزند. شواهد تجربی حاکی است که ترکیب انواع کشاورزی شهری (باغ‌های اجتماعی، گلخانه‌ها، کشاورزی عمودی) همراه با بازارهای محله‌ای می‌تواند دسترسی گروه‌های آسیب‌پذیر به غذاهای مغذی را بهبود بخشد (۱۰). علاوه بر افزایش عرضه، کشاورزی شهری می‌تواند سرمایه اجتماعی را تقویت کند، فضاهای عمومی مولد ایجاد کند و فرصتی برای اشتغال خرد فراهم آورد که همه این‌ها به عدالت تغذیه‌ای کمک می‌کند. برای اینکه مزایای کشاورزی شهری پایدار بماند، سیاست‌ها باید شامل تضمین دسترسی به زمین، پشتیبانی فنی و تسهیلات مالی برای بازیگران خرد باشند، در نتیجه، کشاورزی شهری جزئی از راهکار جامع برای تاب‌آوری و عدالت غذایی است، مشروط بر اینکه در بستر حکمرانی مناسب قرار گیرد (۹).

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

عدالت تغذیه‌ای الزام می‌کند که دسترسی به غذای سالم، مغذی و باکیفیت برای همه اقشار تضمین شود و تحقیقات نشان می‌دهند که ناامنی غذایی در شهرها به طور نامتناسبی بر خانوارهای کم‌درآمد و محلات حاشیه‌ای تحمیل می‌شود (۸). عوامل تعیین‌کننده مانند درآمد، هزینه غذاهای سالم، فاصله فیزیکی تا بازارهای تازه و فقدان شبکه‌های حمایتی اجتماعی، همگی در کاهش تنوع و کیفیت رژیم غذایی نقش دارند و در نتیجه نیاز به مداخلات ترکیبی وجود دارد (۶، ۸). شواهد نشان می‌دهد که ابزارهایی مانند بازارهای محله‌ای ارزان، یارانه‌های هدفمند برای مواد غذایی مغذی و برنامه‌های انتقال درآمد می‌توانند توان خرید خانواده‌ها را افزایش دهند و ناامنی غذایی را کاهش دهند (۷)، به علاوه، تقویت سازمان‌های جامعه‌محور (تعاونی‌ها، باغ‌های جمعی، شبکه‌های فروش محلی) می‌تواند سرمایه اجتماعی و ظرفیت مقاومت محله‌ها را بالا ببرد و مشارکت محلی در طراحی راهکارها را تسهیل کند (۱۰). از منظر حکمرانی، مشارکت ذی‌نفعان محلی در فرایندهای تصمیم‌گیری، توسعه سیاست‌ها را مشروع‌تر و اثربخش‌تر می‌سازد (۶). بنابراین مداخلات باید همزمان اقتصادی، فضایی و نهادی باشند تا موانع چندگانه دسترسی به غذای مناسب برطرف گردد (۸).

تغییرات اقلیمی و رخدادهای شدید هواشناختی تهدیدی آشکار برای ثبات عرضه و ایمنی غذا در بافت شهری هستند و منابع جدید بر ترکیب سازگاری و کاهش خطر در برنامه‌ریزی غذا تأکید دارند (۱۱). چهارچوب‌های ارزیابی تاب‌آوری نشان می‌دهند که تنوع منابع تأمین، وجود ذخایر محلی و شبکه‌های توزیع جایگزین از اجزای کلیدی کاهش آسیب‌پذیرند؛ شهرهایی که این عناصر را تقویت کرده‌اند، در مواجهه با شوک‌ها اختلالات کمتری را تجربه کرده‌اند (۱۳-۱۲). مطالعات توصیه می‌کنند که برنامه‌ریزی بلندمدت باید شامل سناریونویسی اقلیمی، ارزیابی ریسک زنجیره تأمین و سرمایه‌گذاری در زیرساخت ذخیره‌سازی و توزیع محله‌ای باشد تا واکنش‌پذیری افزایش یابد (۱۴). در همین راستا، ارتباط میان سیاست‌های شهری و اقدامات محلی باید به گونه‌ای طراحی شود که ظرفیت بازیابی سریع و تطبیق‌پذیری اجتماعات تقویت گردد (۱۵)، به علاوه، توسعه سیستم‌های غذایی حلقه کوتاه (شامل کشاورزی پیرامون‌شهری) می‌تواند اتکای شهر را به زنجیره‌های طولانی و ناپایدار کاهش دهد و در نتیجه خطر اختلال در تأمین غذای تازه کاهش یابد (۱۲). نهایتاً، سرمایه‌گذاری در تاب‌آوری غذایی نیازمند هماهنگی میان نهادهای شهری، بازیگران بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه‌محور است تا راهکارها همزمان کارا و عادلانه باشند (۱۱).

برای شهری مانند تبریز که دارای بافت تاریخی متراکم، بازارهای سنتی و ظرفیت گردشگری خوراکی است، تلفیق مبانی نوشهرگرایی با سیاست‌های غذایی می‌تواند هم دسترسی ساکنان به غذای سالم را ارتقا دهد و هم کیفیت تجربه گردشگران را بالا ببرد (۱۵-۱۴). در قالب یک برنامه راهبردی، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌ریزان شهری سه رکن هم‌پوشان را دنبال کنند: ۱ـ توسعه کشاورزی و عرضه محلی؛ ۲ـ تقویت زیرساخت توزیع و ذخیره‌سازی محله‌ای؛ ۳ـ سیاست‌های حمایتی اقتصادی ـ اجتماعی برای اقشار آسیب‌پذیر (۱۳-۱۲). راهکارهای عملی می‌توانند شامل تخصیص زمین بلااستفاده به باغ‌های محله‌ای، ایجاد بازارهای محلی با دسترسی پیاده و ایجاد صندوق‌های حمایتی برای فروشندگان سنتی بازار باشند تا عدالت فضایی و مالی تقویت گردد (۱۵). همچنین ضروری است که نظام اطلاعاتی شهری (نقشه‌برداری منابع غذایی، مسیرهای توزیع و نقاط ضعف محله‌ای) ایجاد شود تا تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد امکان‌پذیر گردد (۱۱). مداخلات مبتنی بر شواهد نشان می‌دهند که همکاری میان شهرداری، سازمان‌های غیر انتفاعی و بنگاه‌های خرد محلی موجب پایداری و مقبولیت برنامه‌ها خواهد شد (۱۶). در نهایت، ترکیب طراحی فضایی انسان‌محور (نوشهرگرایی) با سیاست‌های غذایی هدفمند می‌تواند تضمین کند که تبریز نه‌تنها مقصدی جذاب برای گردشگران باشد، بلکه شهری عادلانه‌تر و تاب‌آور در تأمین غذای ساکنان نیز باشد (۱۵-۱۴).

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

در حوزه نوشهرگرایی، طراحی‌های انسان‌محور مانند پیاده‌راه‌ها و بازارهای محلی، مشارکت اجتماعی و تعاملات محلی را تقویت می‌کنند و به دسترسی بهتر به غذا کمک می‌کنند (۲). در مطالعه‌ای در مورد شهرهای مدیترانه‌ای، مشخص شد که فضاهای سنتی و پیاده‌مدار، بستری برای گردشگری غذایی فراهم می‌کنند و تجربه تغذیه‌ای را با جذابیت‌های فرهنگی پیوند می‌دهند (۵).

طراحی انسان‌محور فضاهای شهری، از جمله پیاده‌راه‌ها و بازارهای محلی، با ایجاد مکان‌های ملاقات و تعامل روزمره، زیربنای تقویت سرمایه اجتماعی و حس تعلق محله‌ای را شکل می‌دهد و این امر به صورت مستقیم دسترسی ساکنان به غذاهای محلی و تجارب خوراکی را تسهیل می‌کند (۱). مطالعات نشان می‌دهد که ویژگی‌های فیزیکی فضاهای عمومی مانند دسترسی‌پذیری، کاربری مختلط و مبلمان شهری، زمینه‌های بیشتری برای «تعامل اجتماعی» و سرمایه‌سازی محلی فراهم می‌آورد که بازارها و فعالیت‌های خوراکی را تقویت می‌کند (۱). این دستاوردها از این فرضیه حمایت می‌کنند که وقتی خیابان‌ها و میدان‌ها انسان‌محور و پیاده‌مدار طراحی شوند، حضور روزانه مردم و گردشگران در بازارها افزایش می‌یابد و این به نوبه خود بازار عرضه‌کننده غذاهای تازه و متنوع را فعال نگه می‌دارد (۱، ۱۶). بنابراین سیاستگذاری شهری که فضاهای عمومی پیاده‌مدار و بازارهای محلی را در اولویت قرار دهد، نه‌تنها کیفیت زیستی را بالا می‌برد، بلکه ظرفیت توزیع و دسترسی غذایی محلی را نیز تقویت می‌کند (۱۶). علاوه بر این، شواهد نشان می‌دهد که حضور بازارهای تاریخی و فصلی باعث پیوند میان میراث غذایی، اقتصاد محلی و تجربه گردشگری می‌شود و این پیوند می‌تواند درآمدهای محلی را پایدار سازد (۳، ۵). به بیان دیگر، طراحی فضایی توأم با حمایت نهادی از بازارها، می‌تواند هم عدالت در دسترسی به غذا را افزایش دهد و هم تجربه گردشگری تغذیه‌ای را غنی سازد (۳، ۵)، پس می‌توان گفت که نوشهرگرایی عملیاتی هنگامی موفق است که بازارها و پیاده‌راه‌ها به عنوان اجزای فعال شبکه غذایی شهری دیده شوند و نه صرفاً عناصر زیبایی‌شناختی (۱).

مطالعات میدانی در زمینه بازارهای شهری نشان می‌دهند که عرضه محصولات محلی در بازارها هویت خوراکی منطقه را شکل می‌دهد و بازار پرکالایی از محصولات نمادین می‌تواند به مثابه یک جاذبه غذایی برای گردشگران عمل کند (۳). بررسی نمونه‌هایی مانند بازارهای سنتی در حوزه مدیترانه نشان می‌دهد که «تنوع محصول» و «داستان‌های محلی پیوندخورده با غذا» عامل مهمی در ارتقای تجربه گردشگری غذایی و افزایش ماندگاری بازدیدکنندگان در شهر است (۳). پژوهش‌ها همچنین تأکید می‌کنند که این بازارها هنگامی پایدار و سودمند می‌مانند که مدیریت رخدادهای فصلی، ایمنی غذایی و مشارکت جامعه محلی لحاظ شود تا منافع اجتماعی ـ اقتصادی برای ساکنان محلی حفظ شود (۵)، در نتیجه، بازار محلی زمانی می‌تواند کارکرد دوگانه «تأمین‌کننده نیازهای روزمره ساکنان» و «محور تجربه گردشگری» را به خوبی ایفا کند که طراحی فضایی و مدیریت بازار با هدف حفظ اصالت و افزایش دسترسی همراه باشد (۳، ۵). افزون بر این، پژوهش‌های رفتاری نشان می‌دهند که مصرف‌کنندگان و گردشگران ارزش خاصی برای مکان خرید قائل‌اند و این ارزش مکانی می‌تواند به برند خوراکی مقصد کمک کند (۱۸). این موضوع به‌ویژه برای شهرهای تاریخی که بازار سنتی و خیابان‌های پیاده‌مدار دارند اهمیت دارد، چراکه ترکیب میراث و عرضه غذایی، تجربه تغذیه‌ای را فرهنگی و بدیع می‌سازد (۳)، لذا سیاستگذاران شهری باید روی شاخص‌های کیفیت عرضه و روایت محلی سرمایه‌گذاری کنند تا بازارها بیشترین اثرگذاری را در توسعه گردشگری غذایی و عدالت تغذیه‌ای داشته باشند (۳، ۱۸).

از منظر برنامه‌ریزی و عدالت فضایی، پژوهش‌های محاسباتی نشان می‌دهند که توزیع مکانی بازارها و مراکز فروش غذای تازه می‌تواند با بهینه‌سازی مکان‌ها طوری تنظیم شود که دسترسی پیاده‌محور برای جمعیت‌های آسیب‌پذیر بهبود یابد (۲). کاربرد چهارچوب‌های محاسباتی و مدل‌های مکان‌یابی ـ خدمات (Facility Location) امکان سنجش و بازآرایی بازارها را بر اساس معیارهای عدالت، توزیع تقاضا و فاصله پیاده‌روی فراهم می‌کند تا نقاط کم دسترسی شناسایی و اصلاح شوند (۲). این روش‌ها نشان می‌دهند که بازآرایی

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

هدفمند بازارها می‌تواند به طرزی معنادار شاخص‌های دسترسی و عدالت را بهبود بخشد، به ویژه برای افراد بدون دسترسی به حمل و نقل موتوری (۲). بنابراین تصمیم‌گیری فضایی مبتنی بر داده می‌تواند شکاف‌های محله‌ای در دسترسی به غذا را کاهش داده و از ایجاد «کاهش تبعیض فضایی» جلوگیری کند (۲). این نتیجه اهمیت ترکیب دانش طراحی شهری، داده‌های مکانی و سیاستگذاری را روشن می‌سازد تا بازارها و پیاده‌راه‌ها نه صرفاً نمادین، بلکه کارکردی و عادلانه باشند (۲-۱)، در نتیجه، ابزارهای محاسباتی به مدیران شهری کمک می‌کنند تا منابع محدود را به شیوه‌ای رویه‌ای و عادلانه تخصیص دهند و بهبود دسترسی غذایی را به صورت شواهدمحور پیگیری نمایند (۲).

بازارهای فصلی و تابستانه نمونه‌ای روشن از نقطه اتصال میان گردشگری، اصالت محلی و همبستگی اجتماعی‌اند و مطالعات موردی نشان می‌دهند که چنین بازارهایی می‌توانند مشارکت جامعه محلی را تقویت و ارزش فرهنگی مقصد را برجسته کنند (۵). این بازارهای موقتی وقتی به خوبی مدیریت شوند، نه‌تنها به افزایش درآمد توریستی کمک می‌کنند، بلکه آن را با حفاظت از میراث غذایی و تقویت اقتصاد خرد محلی ترکیب می‌نمایند. بنابراین مسئولیت حاکمیتی و برنامه‌ریزی برای پایداری اجتماعی و بهداشتی باید در رأس مدیریت قرار گیرد (۵). شواهد تحقیقاتی از نمونه‌های مدیترانه‌ای نشان می‌دهد که وقتی ذی‌نفعان محلی و مدیریت رویداد در فرآیند طراحی دخیل باشند، بازارهای فصلی به منابعی برای آموزش غذایی، حفظ دانش بومی و افزایش دسترسی محلی تبدیل می‌شوند (۳، ۱۸). افزون بر این، بازارهای تاریخی که با روایت و عرضه محصولات نمادین همراه‌اند، می‌توانند به ایجاد تصویر مقصد و تقویت برند خوراکی شهر کمک کنند، اما این فرایند باید با معیارهای انصاف و دسترسی همراه باشد تا ساکنان از منافع بهره‌مند شوند (۳، ۱۸). بنابراین ترکیب رویکردهای مدیریت مکان‌محور، تضمین ایمنی غذایی و مشارکت محلی، شرط لازم بهره‌گیری پایدار از این فرصت‌های گردشگری است (۵)، در نتیجه، بازارهای فصلی و تاریخی باید بخشی از استراتژی بلندمدت توسعه شهری باشند و نه فعالیتی تفننی صرف (۳، ۵). پیوند میان فضاهای پیاده‌مدار، سرمایه اجتماعی و پایداری غذای شهری در متون جدید به روشنی دیده می‌شود و پژوهش‌ها بر این نکته تأکید دارند که طراحی عمومی قابل پیاده‌روی زمینه‌های تعامل را باز کرده و بازارها را زنده نگه می‌دارد (۱، ۱۶). این یافته‌ها نشان می‌دهند که مقیاس انسانی خیابان و وجود مراکز فروش در دسترس پیاده‌محور، مصرف محلی و خرید از عرضه‌کنندگان کوچک را تشویق می‌کند و از این طریق چرخه اقتصادی خوراکی محلی را تقویت می‌نماید (۱۶). همچنین مطالعات نشان داده‌اند که طراحی فضا که «حضور انسان» را اولویت می‌دهد، باعث افزایش حس امنیت و انسجام اجتماعی می‌شود و این خود بستری برای مشارکت‌های غذایی و بازارمحور فراهم می‌آورد (۱، ۱۶)، در نتیجه، سیاست‌های شهری که پیاده‌راه‌سازی و تقویت بازارهای محلی را با هدف‌های تغذیه‌ای و گردشگری هم‌راستا می‌سازند، می‌توانند همزمان هدف‌های سلامت عمومی، عدالت اجتماعی و رونق اقتصادی را پیش ببرند (۱، ۳)، به علاوه، برنامه‌ریزی مبتنی بر شواهد و مشارکت مردمی ضامن آن است که این فضاها برای همه گروه‌ها ـ از جمله کودکان، سالمندان و گروه‌های کم‌درآمد ـ دسترس‌پذیر و مفید باشند (۲-۱). بنابراین استراتژی موفق نیازمند هم‌آهنگی طراحی کالبدی، حکمرانی محلی و حمایت نهادی است تا پیاده‌راه‌ها و بازارها به موتورهای عدالت غذایی تبدیل شوند (۲-۱).

در جمع‌بندی روی‌هم‌رفته می‌توان گفت که پیاده‌راه‌ها و بازارهای محلی، وقتی در چهارچوب نوشهرگرایی و با سیاستگذاری آگاهانه مدیریت شوند، نقش دوگانه‌ای در تأمین غذا و خلق تجربه غذایی باارزش برای گردشگران ایفا می‌کنند (۳، ۵). پژوهش‌های محاسباتی و میدانی نشان می‌دهند که توزیع عادلانه مراکز عرضه مواد غذایی و طراحی فضاهای پیاده‌پذیر می‌تواند هم دسترسی ساکنان محلی را افزایش دهد و هم ظرفیت مقصد را برای جذب گردشگران غذایی بالا ببرد (۳-۲). برای شهرهایی با بافت تاریخی و بازار سنتی مانند شهرهای مدیترانه‌ای و نمونه‌هایی مثل تبریز، توصیه می‌شود

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

که سیاست‌ها سه محور هم‌پوشان را دنبال کنند: ۱ـ بازطراحی فضاهای پیاده‌محور؛ ۲ـ پشتیبانی از بازارهای محلی؛ ۳ـ مکان‌یابی عادلانه مراکز عرضه بر مبنای داده‌های مکانی (۳، ۱۶)، به علاوه، تضمین استانداردهای ایمنی و کیفیت غذا در بازارها، به ویژه در رویدادهای فصلی، شرط لازم ایجاد اعتماد بازدیدکننده و ساکن است (۵). اگر این عناصر با سازوکارهای مشارکتی مدیریت محلی و برنامه‌ریزی مبتنی بر داده ترکیب شوند، نتیجه نه‌تنها افزایش دسترسی غذایی، بلکه تقویت تجربه فرهنگی خوراکی و پایداری اقتصادی محلات خواهد بود (۳، ۱۸). در نهایت، ادغام نوشهرگرایی و سیاست‌های غذایی شهری می‌تواند راهبرد مؤثری برای همگراکردن اهداف عدالت، تاب‌آوری و گردشگری پایدار باشد، مشروط بر آنکه تدابیر عملی و حمایتی اجرا شوند (۲-۱).

در زمینه گردشگری و تغذیه، مدلی تلفیقی برای سیاستگذاری پیشنهاد شده که طراحی شهری را با دسترسی به غذای سالم و بومی هم‌راستا می‌کند (۱۸). در ایران، به ویژه تبریز، مطالعات محدودی به پیوند امنیت غذایی و نوشهرگرایی در بستر گردشگری پرداخته‌اند. این پژوهش با پرکردن این خلأ، مدلی برای سیاستگذاری شهری در تبریز ارائه می‌دهد که به سه مؤلفه نوشهرگرایی، تغذیه پایدار و گردشگری توجه دارد.

برای اینکه سیاستگذاری شهری بتواند امنیت غذایی و تجربه گردشگری خوراکی را همزمان تأمین کند، لازم است سیاست‌های غذایی به صورت یکپارچه و فرابخشی طراحی شوند، مطالعات جدید بر ضرورت «ادغام سیاست‌ها» و ایجاد نقاط ورود سیاستی مشترک میان برنامه‌ریزی فضایی، تأمین غذا و گردشگری تأکید می‌کنند (۱۹). این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که رویکردهای مجزا و بخشی علت ناکارآمدی بسیاری از مداخلات هستند و ادغام آگاهانه «چی» (چه چیزی باید ادغام شود)، «کجا» (محل‌های تقاطع سیاستی) و «چگونه» (مکانیسم‌های عملیاتی) برای تحول نظام غذایی ضروری است (۱۹)، در نتیجه، مدل‌های تلفیقی باید به طور همزمان اهداف محیطی، اقتصادی و اجتماعی را پیش‌بینی کنند تا تغییرات ساختاری در زنجیره غذا حاصل شود (۲۰). تجربه‌ها نشان می‌دهد که مکان‌یابی راهبردی عناصر کالبدی مانند بازارها و پیاده‌راه‌ها، در کنار حمایت نهادی از تولید محلی، می‌تواند پیوند میان عرضه بومی و تقاضای گردشگری را تقویت نماید (۳). از منظر طراحی، دانش نوین درباره کشاورزی شهری و خدمات اکوسیستمی نشان می‌دهد که ادغام عملکردهای محیطی و اجتماعی در طراحی شهری به پایداری برنامه‌ها کمک می‌کند (۲۱). بنابراین یک مدل سیاستی تلفیقی باید سازوکارهای هماهنگی بین بخشی، معیارهای مکانی و شاخص‌های عدالت غذایی را در خود جای دهد (۲۰). خلاصه اینکه، تحول نظام غذایی شهری بدون یک چهارچوب سیاستی یکپارچه که طراحی شهری، تأمین، توزیع و گردشگری را هم‌افزا کند، ناقص خواهد ماند (۱۹).

طراحی فضای شهری که اولویت را به حضور انسانی و پیاده‌روی می‌دهد می‌تواند سرمایه اجتماعی و تعاملات محلی را تقویت کند و این تقویت به طرزی مستقیم دسترسی به غذاهای محلی را آسان‌تر می‌سازد (۳). مطالعات میدانی و تحلیلی بر بازارهای شهری نشان می‌دهند که تنوع عرضه و «داستان محلی» محصولات (Place-Identity) بازارها، نقش مهمی در جذب گردشگران خوراکی و در عین حال حفظ دسترسی ساکنان محلی به محصولات تازه دارد (۱۸). پژوهش‌های طراحی نشان داده‌اند که وقتی خیابان‌ها و بازارها انسان‌محور شوند، حضور روزمره مردم افزایش می‌یابد و این امر فضای تقاضا را برای عرضه‌کنندگان محلی پایدارتر می‌سازد (۲۱)، به علاوه، بازارهای فصلی یا تاریخی که مدیریت مشارکتی و استانداردهای ایمنی غذایی را رعایت می‌کنند، می‌توانند هم درآمد گردشگری تولید کنند و هم فرصت‌های غذایی محلی را برای ساکنان حفظ نمایند (۵). بنابراین طراحی و سیاستگذاری شهری باید بازارها و پیاده‌راه‌ها را به عنوان زیرساخت غذایی ـ نه صرفاً عناصر فرهنگی یا تفریحی ـ در نظر بگیرد تا هم عدالت دسترسی و هم تجربه گردشگری ارتقا یابد (۳). این رویکرد نیازمند تدوین ضوابط کاربری زمین، مکان‌یابی عادلانه مراکز عرضه و حمایت از عرضه‌کنندگان خرد است (۱۹). در مجموع، طراحی انسان‌محور فضاهای عمومی می‌تواند نقطه عطف تلفیق نوشهرگرایی با امنیت غذایی باشد (۲۱).

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

یکی از اجزای کلیدی مدل پیشنهادی، تقویت کشاورزی شهری و زنجیره‌های تأمین کوتاه است؛ بررسی طراحی و مطالعات اجرایی نشان می‌دهد که کشاورزی شهری می‌تواند عرضه تازه را در دسترس محله‌ها قرار دهد و وابستگی به زنجیره‌های طولانی را کاهش دهد، اما موفقیت آن مستلزم چهارچوب‌های حکومتی و پشتیبانی فنی است (۲۱). مطالعات حکمرانی نیز تأکید کرده‌اند که پایداری زنجیره‌های کوتاه در گرو تعاملات میان‌بخشی، حمایت‌های نهادی و سازوکارهای بازاریابی است که محصولات محلی را به عنوان بخشی از برند مقصد معرفی می‌کنند (۱۸، ۲۰). تجربیات در شهرهای مختلف نشان داده است که ترکیب کشاورزی شهری با بازارهای محلی و رویدادهای خوراکی می‌تواند هم منافع تغذیه‌ای و هم معیشتی را برای جوامع محلی ارتقا دهد، اگر چهارچوب‌های مقرراتی و تسهیلات مالی فراهم باشد (۵، ۲۱). از جنبه طراحی شهری، گنجاندن فضاهای کشاورزی نفوذپذیر در بافت شهری (باغ‌های محله‌ای، گلخانه‌های کوچک، اراضی پیرامون‌شهری) به تعادل اکوسیستمی و تقویت دسترسی کمک می‌کند (۲۱). بنابراین مدل سیاستی باید دسترسی به زمین، پشتیبانی فنی و مسیرهای بازاریابی محلی را به عنوان حلقه‌های مکمل در کنار طراحی فضایی پیش‌بینی کند (۲۰). به این ترتیب کشاورزی شهری نه‌تنها عرضه را افزایش می‌دهد، بلکه به گفتمان اصالت خوراکی مقصد برای گردشگری نیز کمک می‌کند (۱۸).

عدالت تغذیه‌ای در مدل تلفیقی به معنای تضمین دسترسی فیزیکی و اقتصادی به غذای سالم برای همه گروه‌هاست و مطالعات حکمرانی و عدالت شهری نشان می‌دهند که مکان‌یابی سوق‌دادنی بازارها و خدمات غذایی می‌تواند شکاف‌های محله‌ای را کاهش دهد (۲۰). پژوهش‌های محاسباتی و کاربردی توصیه می‌کنند که از ابزارهای مکانی و مدل‌های بهینه‌سازی برای شناسایی «پلان‌های تعدیل» استفاده شود تا مراکز عرضه به گونه‌ای توزیع شوند که پیاده‌روی و دسترسی برای جمعیت‌های آسیب‌پذیر فراهم گردد (۲۱)، به علاوه، ترکیب سیاست‌های اقتصادی هدفمند (یارانه، بازارهای ارزان محلی، انتقال درآمد هدفمند) با تغییرات فضایی می‌تواند توان خرید خانواده‌ها را بالا برده و تنوع غذایی را افزایش دهد (۲۰-۱۹). ادبیات مرتبط همچنین بر نقش سازمان‌های جامعه‌محور و تعاونی‌ها در تقویت ظرفیت محلی و مشارکت در تصمیم‌گیری تأکید دارد، زیرا مقیاس محلی محل ظهور راه حل‌های پایدار و عدالت‌محور است (۵). بنابراین مدل باید مکانیسم‌هایی برای مشارکت ذی‌نفعان محلی و سنجش عدالت فضایی در تصمیم‌سازی فراهم آورد (۲۰). به این ترتیب، مکان‌یابی عادلانه و سیاست‌های حمایتی همزمان، پایه تحقق حق بر غذا در سطح شهری خواهد بود (۱۹).

گردشگری خوراکی در صورتی پایدار و مفید برای ساکنان محلی خواهد بود که طراحی فضا، عرضه اصیل محلی و مقررات بهداشتی با هم هم‌راستا شوند؛ مطالعات بازارها و رویدادهای غذایی نشان می‌دهند که گردشگری خوراکی می‌تواند درآمدزایی و حفاظت میراث غذایی را همزمان پشتیبانی کند، مشروط بر آنکه مدیریت مشارکتی و مناسبات سوددهی منصفانه برقرار باشد (۵، ۱۸). از منظر مقصد، تأکید بر محصولات نمادین محلی و روایت‌های بومی همراه با بازارها، تجربه گردشگران را عمیق‌تر کرده و در عین حال تقاضا برای عرضه‌کنندگان محلی را پایدار می‌سازد (۳). پژوهش‌ها همچنین نشان می‌دهند که بازارهای فصلی یا تاریخی که با استانداردهای ایمنی غذایی و مشارکت جامعه طراحی می‌شوند، بهترین نتیجه ترکیبی منافع گردشگری و رفاه محلی را ارائه می‌دهند (۵). بنابراین مدل سیاستی پیشنهادی باید سازوکارهای منصفانه تقسیم منافع، تضمین کیفیت و ظرفیت‌سازی عرضه‌کنندگان را در خود داشته باشد تا گردشگری خوراکی به توسعه فراگیر کمک کند (۲۰). در عمل، این سازوکارها شامل آموزش، دسترسی به زنجیره‌های عرضه محلی و بسته‌های حمایتی مالی برای فروشندگان خرد خواهد بود (۲۱). چنین رویکردی نه‌تنها تجربه گردشگر را تقویت می‌کند، بلکه به تقویت اقتصاد محلی و عدالت غذایی نیز کمک می‌نماید (۱۸).

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

برای تبریز، شهری با بافت تاریخی و بازارهای سنتی، مدل پیشنهادی سه مؤلفه هم‌پوشان دارد: ۱ـ طراحی پیاده‌محور و تقویت بازارهای محلی؛ ۲ـ توسعه کشاورزی و عرضه محلی؛ ۳ـ سیاست‌های حمایتی عدالت‌محور که توان خرید و مشارکت اجتماعی را افزایش دهد (۳، ۲۱-۲۰). در گام نخست لازم است نقشه‌برداری غذایی شهری انجام گیرد تا نقاط عرضه، تقاضا، ضعف‌های محله‌ای و ظرفیت‌های میراثی شناسایی شوند و بر آن مبنا مکان‌یابی عادلانه صورت گیرد (۲۱)، سپس با تخصیص زمین‌های مناسب برای پروژه‌های کشاورزی شهری و ایجاد بازارهای محله‌ای پیاده‌پذیر، زنجیره‌های کوتاه عرضه تقویت شود تا هم نیازهای ساکنان و هم خواست گردشگران پوشش یابد (۵). همزمان باید سازوکارهای حمایت مالی و فنی برای عرضه‌کنندگان و سازوکارهای تضمین ایمنی و کیفیت غذا در بازارها برقرار گردد تا اعتماد مصرف‌کنندگان و گردشگران حفظ شود (۱۸). نهایتاً ساختار حکمرانی محلی باید شامل پلتفرم‌های چندذی‌نفعی باشد تا هماهنگی میان شهرداری، فروشندگان بازار، کشاورزان شهری و سازمان‌های جامعه‌محور تأمین شود (۲۰). اجرای پایلوت محله‌ای و پایش مستمر شاخص‌های عدالت غذایی و جذب گردشگر، امکان اصلاح مبتنی بر شواهد را فراهم می‌آورد و تضمین می‌کند که مدل قابلیت اقتباس و گسترش دارد (۱۹). در مجموع، ترکیب نوشهرگرایی انسان‌محور، سیاست‌های غذایی تلفیقی و توسعه گردشگری خوراکی می‌تواند تبریز را هم به شهری عادلانه‌تر برای ساکنان و هم مقصدی جذاب‌تر برای گردشگران تبدیل کند (۳).

تبریز با برخورداری از میراث معماری، تنوع قومیتی و سنت‌های غذایی غنی، این پتانسیل را دارد که به یک «شهر خوراکی‌نگر (Food-Sensitive City)» تبدیل شود؛ مفهوم «شهر خوراکی‌نگر» به شهری اطلاق می‌شود که غذا را به عنوان یک مؤلفه محوری در تمام تصمیمات برنامه‌ریزی و طراحی شهری خود (از حمل و نقل و فضای سبز گرفته تا گردشگری و عدالت اجتماعی) قرار می‌دهد و بر دسترسی عادلانه، تاب‌آوری غذایی و تجربه فرهنگی خوراکی تأکید دارد (۲۳-۲۲). این مفهوم که ابتدا در شهرهای پیشرو مانند ملبورن، تورنتو و بریستول عملیاتی شد، بر آن است که شهر نه‌تنها «غذا را تأمین کند»، بلکه «با غذا فکر کند» و تمام سیاست‌هایش را حول محور دسترسی عادلانه، تاب‌آوری غذایی و تجربه فرهنگی خوراکی تنظیم نماید (۲۳-۲۲). تجربه جهانی نشان می‌دهد که شهرهایی که این رویکرد را برگزیده‌اند، نه‌تنها ناامنی غذایی را کاهش داده‌اند، بلکه هویت شهری و جذابیت گردشگری خود را نیز به طور چشم‌گیری تقویت کرده‌اند (۲۴). در تبریز، بازار تاریخی، محورهای پیاده بالارتفاق، باغ‌های سنتی و غذاهای نمادین (کوفته تبریزی، آش میوه، دولمه) دقیقاً همان عناصری هستند که می‌توانند این شهر را به یکی از نخستین نمونه‌های موفق «شهر خوراکی‌نگر» در خاورمیانه و جهان اسلام تبدیل کنند. یکی از فرصت‌های مغفول تبریز، پیوند میان گردشگری خوراکی و میراث ناملموس است: غذاهایی چون کوفته تبریزی، آش میوه، قورما و دولما حامل داستان‌های قومیتی و تاریخی‌اند که می‌توانند در قالب تورهای غذایی پیاده‌محور ارائه شوند. چنین تورهایی نه‌تنها درآمدزایی می‌کنند، بلکه با عبور از کوچه‌های تاریخی و توقف در کارگاه‌های کوچک تولید غذا، اصول دسترسی پیاده و تجربه اصیل را تقویت می‌کنند. در عین حال، این فعالیت‌ها می‌توانند بخشی از درآمد خود را به صندوق‌های محله‌ای عدالت غذایی اختصاص دهند تا حلقه بسته «تولید ـ عرضه ـ مصرف ـ بازتوزیع» شکل گیرد. بازارهای فصلی و رویدادهای غذایی (مانند جشنواره آش یا کوفته) می‌توانند به عنوان «آزمایشگاه‌های زنده سیاستگذاری» عمل کنند: در مقیاس کوچک، مدل‌های جدید توزیع، قیمت‌گذاری عادلانه و مشارکت جامعه را آزمایش کرد و سپس به کل شهر تعمیم داد. تجربه چنین رویدادهایی در تبریز نشان داده است که وقتی فروشندگان محلی و کشاورزان شهری مستقیماً با مصرف‌کننده ارتباط برقرار می‌کنند، اعتماد اجتماعی افزایش می‌یابد و زنجیره‌های کوتاه تأمین تقویت می‌شوند.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

روش

این پژوهش با رویکرد توصیفی ـ تحلیلی و روش کیفی ـ کمی در سال ۱۴۰۳ در هسته مرکزی تبریز انجام شد. جامعه آماری شامل شهروندان، گردشگران، فروشندگان مواد غذایی و کارشناسان حوزه شهرسازی و گردشگری در محدوده بازار تاریخی تبریز و خیابان‌های اطراف (شهناز، تربیت، جمهوری) بود.

۱. روش نمونه‌گیری، ابزار گردآوری داده‌ها و حجم نمونه:

در این پژوهش از رویکرد ترکیبی (کمی ـ کیفی) استفاده شده است. در بخش کمی، نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای انجام گرفت و در مجموع ۱۲۰ پرسشنامه بسته میان شهروندان و گردشگران توزیع و جمع‌آوری شد. پرسشنامه‌ها بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (از «کاملاً مخالف» تا «کاملاً موافق») طراحی شدند و شامل ۲۰ سؤال در محورهای کیفیت غذا، زیرساخت‌های تغذیه‌ای، دسترسی فیزیکی، قیمت غذا و میزان رضایتمندی بودند.

در بخش کیفی، ۱۵ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با متخصصان برنامه‌ریزی شهری، فعالان گردشگری و فروشندگان بازارهای محلی انجام شد تا درک عمیق‌تری از نقش فضاهای غذایی، بازارهای بومی و طراحی شهری در تجربه تغذیه‌ای و امنیت غذایی حاصل شود.

به طور کلی، سه روش برای گردآوری داده‌ها به‌کار گرفته شد:

۱ـ مشاهده میدانی ساختاریافته به منظور بررسی وضعیت فضاهای عمومی، دسترسی به منابع غذایی و مسیرهای گردشگری؛

۲ـ مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از کارشناسان و فعالان محلی؛

۳ـ پرسشنامه بسته با طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای برای سنجش متغیرهای اصلی پژوهش.

متغیرهای پژوهش، نوع آن‌ها و مقیاس سنجش در جدول ۲ ارائه شده است. همان‌گونه که در این جدول مشاهده می‌شود، «دسترسی به غذای سالم» و «قیمت غذا در بازار» به عنوان متغیرهای وابسته و «وجود بازارهای محلی» و «میزان حضور گردشگر» به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند.

جدول ۲: مداخلات پیشنهادی و ارتباط آن‌ها با اهداف امنیت غذایی

متغیر	نوع متغیر	مقیاس سنجش
دسترسی به غذای سالم	وابسته	طیف لیکرت (۱ تا ۵)
وجود بازارهای محلی	مستقل	بلی/ خیر
میزان حضور گردشگر	مستقل	کم/ متوسط/ زیاد
قیمت غذا در بازار	وابسته	عددی (تومان)

۲. روش تحلیل داده‌ها: داده‌های کمی با استفاده از نرم‌افزار SPSS 26 تحلیل شدند. در این راستا، از آزمون‌های آماری زیر استفاده شد:

ـ همبستگی پیرسون برای بررسی روابط بین متغیرها ؛

ـ تحلیل عاملی اکتشافی به منظور شناسایی عوامل پنهان مؤثر بر امنیت غذایی و گردشگری شهری ؛

ـ تحلیل مسیر برای مدل‌سازی تأثیرات مؤلفه‌های نوشهرگرایی بر امنیت غذایی و جذابیت گردشگری.

در این پژوهش، مقدار آلفای کرونباخ پرسشنامه برابر با ۰/۸۳ به دست آمده است که بر اساس معیارهای رایج روش تحقیق (مقادیر بالاتر از ۰/۷۰)، نشان‌دهنده پایایی خوب و قابل قبول پرسشنامه است. این بدان‌معناست که پاسخ‌دهندگان به

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

سؤالات مرتبط واکنش‌های نسبتاً سازگار و هماهنگی داشته‌اند و پرسشنامه از دقت و ثبات لازم برای تحلیل‌های آماری برخوردار است، در نتیجه، می‌توان با اطمینان بیشتری نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها را معتبر و قابل اتکا دانست.

۳. توصیف داده‌های کمی: نتایج توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر اساس میزان رضایت از دسترسی به غذای سالم در جدول ۳ ارائه شده است. بر اساس این جدول، بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان (حدود ۵۰ درصد) سطح رضایت «زیاد» و «بسیار زیاد» را گزارش کرده‌اند که بیانگر وضعیت نسبتاً مطلوب دسترسی به غذای سالم در محدوده مطالعه است.

میانگین قیمت غذاهای محلی در بازار تبریز در جدول ۴ نشان می‌دهد که غذاهای سنتی بالاترین میانگین قیمت و میان‌وعده‌ها پایین‌ترین میانگین قیمت را دارند. این تنوع قیمتی می‌تواند نقش مهمی در پاسخگویی به توان اقتصادی گروه‌های مختلف شهروندان و گردشگران ایفا کند.

در نهایت، نتایج همبستگی پیرسون در جدول ۵ نشان‌دهنده رابطه معنادار بین پیاده‌محوری و رضایت از دسترسی به غذا ($r=۰/۶۳$)، رابطه معکوس وجود بازار بومی با قیمت غذا ($r=۰/۵۱$) و همچنین ارتباط مثبت حمل و نقل عمومی با رضایتمندی گردشگران ($r=۰/۴۸$) است. تحلیل عاملی اکتشافی نیز در جدول ۶ سه عامل اصلی «طراحی نوشهرگرایانه»، «شاخص‌های امنیت غذایی» و «جذابیت گردشگری» را به عنوان ابعاد کلیدی تبیین‌کننده داده‌ها شناسایی کرده است.

جدول ۳: توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر اساس رضایت از دسترسی به غذای سالم

سطح رضایت	تعداد	درصد
بسیار کم	۷	۵/۸
کم	۱۸	۱۵/۰
متوسط	۳۴	۲۸/۳
زیاد	۴۱	۳۴/۲
بسیار زیاد	۲۰	۱۶/۷
جمع	۱۲۰	۱۰۰

جدول ۴: میانگین قیمت غذای محلی در بازار تبریز (ریال)

نوع غذا	کمینه	بیشینه	میانگین
فست‌فود محلی	۸۰۰۰۰۰	۱۶۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰
غذای سنتی	۱۰۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰	۱۴۵۰۰۰۰
میان‌وعده	۳۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰	۶۰۰۰۰۰

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

جدول ۵: نتایج همبستگی پیرسون

متغیر اول	متغیر دوم	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری (p)
پیاده‌محوری	رضایت از دسترسی به غذا	۰/۶۳	۰/۰۰۰**
وجود بازار بومی	قیمت مناسب غذا	-۰/۵۱	۰/۰۰۳**
حمل و نقل عمومی	رضایتمندی گردشگران	۰/۴۸	۰/۰۰۱**

جدول ۶: تحلیل عاملی اکتشافی

عامل	شاخص‌ها (بار عاملی ۰/۶ <)	تفسیر
۱	پیاده‌محوری، کیفیت فضاهای عمومی، تنوع بازارهای محلی	طراحی نوشهرگرایانه
۲	دسترسی به غذای سالم، مقرون به صرفه‌بودن، وفور محصولات محلی	شاخص‌های امنیت غذایی
۳	رضایت گردشگران، کیفیت تجربه تغذیه‌ای، دسترسی حمل و نقل	جذابیت گردشگری

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

تحلیل آماری نشان داد که بازارهای سنتی و طراحی پیاده‌محور تأثیر مستقیمی بر تجربه تغذیه‌ای گردشگران و امنیت غذایی دارند. مصاحبه‌ها نیز نشان داد که تجربه تغذیه‌ای به افزایش تمایل گردشگران برای بازدید مجدد کمک می‌کند و توسعه بازارهای بومی و میادین میوه و تره‌بار به عدالت غذایی و برند گردشگری غذایی شهر کمک می‌کند.

جدول ۷: خلاصه یافته‌ها

شاخص	رضایت شهروندان (درصد)	تأثیر بر گردشگری	تأثیر بر امنیت غذایی
پیاده‌راه‌سازی	۷۸	بالا	متوسط
بازارهای سنتی	۸۴	بسیار بالا	بالا
کیفیت زیرساخت‌های غذایی	۶۹	متوسط	بالا
زیبایی بصری محیط	۶۵	بالا	پایین
امنیت محیطی	۷۱	متوسط	بالا

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

جدول ۸: همبستگی متغیرها

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری (p)
بازارهای محلی	رضایت تغذیه‌ای	۰/۶۴	<۰/۰۱
حضور گردشگران	قیمت غذا	۰/۴۳	<۰/۰۵
پیاده‌مداری	دسترسی به غذا	۰/۵۸	<۰/۰۱

جدول ۹: ارزیابی تجربه تغذیه‌ای گردشگران

شاخص	رضایتمندی (درصد)	توضیح
کیفیت غذاهای بومی	۸۲	کیفیت کوفته تبریزی و شیرینی قرابیه
دسترسی به اغذیه‌فروشی‌ها	۶۹	مسیرهای پیاده‌محور مزیت دارند
حس سنتی غذا خوردن	۷۵	غذا در بافت تاریخی جذاب است
کمبود سرویس‌های بهداشتی	۴۱ درصد نارضایتی	کمبود نشیمنگاه و آب آشامیدنی

جدول ۱۰: تحلیل دیدگاه ساکنان

سؤال	پاسخ مثبت (درصد)	تحلیل
دسترسی به غذای سالم	۷۲	حضور سبزی‌فروشی‌ها و عطاری‌ها
قیمت مناسب	۶۶	رقابت فروشندگان سنتی
دسترسی فیزیکی	۵۸	مشکلات برای سالمندان
فضاهای عمومی	۳۹	نیاز به بهبود مبلمان شهری

بحث

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که میان ساختار فضایی شهر، نظام توزیع غذا و تجربه تغذیه‌ای گردشگران پیوندی معنادار و چندلایه وجود دارد. نتایج تحلیل‌های آماری (جداول ۷ و ۸) حاکی از آن است که بازارهای سنتی و فضاهای پیاده‌محور، بیشترین تأثیر را بر رضایت تغذیه‌ای گردشگران و ارتقای امنیت غذایی دارند. ضریب همبستگی نسبتاً بالای بازارهای محلی با رضایت تغذیه‌ای (r=۰/۶۴) نشان می‌دهد که کیفیت و اصالت فضاهای عرضه غذای بومی، نقشی تعیین‌کننده در ادراک گردشگران از شهر ایفا می‌کند. این یافته با دیدگاه‌هایی همسو است که بازارهای سنتی را نه‌تنها مکان مبادله اقتصادی، بلکه فضاهای اجتماعی ـ فرهنگی مؤثر بر هویت شهری و تجربه زیسته می‌دانند.

در همین راستا، نتایج (جدول ۹) نشان می‌دهد که کیفیت غذاهای بومی و حس سنتی غذاخوردن، بالاترین سطح رضایتمندی گردشگران را به خود اختصاص داده‌اند. این موضوع بیانگر آن است که گردشگری غذایی در بافت‌های تاریخی، زمانی موفق خواهد بود که بر اصالت مکانی، فرهنگ غذایی و ارتباط مستقیم با تولید و عرضه محلی تکیه کند. در مقابل، نارضایتی از کمبود زیرساخت‌های مکمل مانند سرویس‌های بهداشتی، نشیمنگاه و آب آشامیدنی نشان می‌دهد که تجربه تغذیه‌ای صرفاً به کیفیت غذا محدود نیست، بلکه به کیفیت کلی فضای عمومی نیز وابسته است. بنابراین

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

بهبود مبلمان شهری و خدمات پشتیبان می‌تواند نقش مهمی در تکمیل زنجیره تجربه گردشگران داشته باشد.

از سوی دیگر، تحلیل دیدگاه ساکنان (جدول ۱۰) نشان می‌دهد که اگرچه دسترسی به غذای سالم و قیمت مناسب در بازارهای سنتی تا حد زیادی رضایت‌بخش است، اما مشکلاتی نظیر دسترسی فیزیکی برای سالمندان و کمبود فضاهای عمومی مناسب، همچنان پابرجاست. این یافته‌ها تأکید می‌کند که سیاست‌های توسعه گردشگری غذایی، در صورت بی‌توجهی به نیازهای روزمره ساکنان، می‌تواند به تشدید نابرابری‌های فضایی و اجتماعی منجر شود، در نتیجه، عدالت غذایی باید به عنوان معیاری کلیدی در ارزیابی موفقیت این سیاست‌ها در نظر گرفته شود.

پیاده‌راه‌سازی نیز، طبق نتایج، تأثیر بالایی بر گردشگری و تأثیری متوسط بر امنیت غذایی دارد. این امر نشان می‌دهد که پیاده‌مداری، به عنوان یکی از اصول نوشهرگرایی، می‌تواند دسترسی مکانی به منابع غذایی را بهبود بخشد، اما برای اثرگذاری عمیق‌تر بر امنیت غذایی، نیازمند همزمانی با سیاست‌های حمایتی اقتصادی و اجتماعی است، به ویژه در شهر تبریز که بازارهای سنتی نقش محوری در نظام غذایی دارند، ترکیب طراحی پیاده‌محور با تقویت شبکه‌های توزیع محلی می‌تواند به کاهش نابرابری‌های غذایی کمک کند.

در نهایت، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که توسعه گردشگری غذایی زمانی پایدار و اثربخش خواهد بود که در خدمت تقویت امنیت غذایی شهری قرار گیرد. بازآفرینی فضاهایی مانند بازار تاریخی تبریز، اگر فراتر از نگاه صرفاً توریستی و با رویکردی انسان‌محور و عدالت‌محور انجام شود، می‌تواند همزمان منافع شهروندان و گردشگران را تأمین کند، بدین‌ترتیب یافته‌های این مطالعه تأکید می‌کند که پیوند آگاهانه میان امنیت غذایی، تجربه تغذیه‌ای و نوشهرگرایی، نه‌تنها به ارتقای برند گردشگری غذایی شهر می‌انجامد، بلکه به افزایش تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی شهر نیز کمک خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

پیوند میان حقوق تغذیه، امنیت غذایی و نوشهرگرایی، زمانی بیشترین معنا و کارآمدی را پیدا می‌کند که «امنیت غذایی» به عنوان محور اصلی برنامه‌ریزی شهری و توسعه گردشگری در نظر گرفته شود. امنیت غذایی تنها به در دسترس‌بودن غذا محدود نمی‌شود، بلکه شامل دسترسی پایدار، اقتصادی و عادلانه همه شهروندان به غذای سالم، مغذی و متناسب با فرهنگ محلی است. در این چهارچوب، شهر می‌تواند به بستری برای تولید، توزیع و مصرف مسئولانه غذا تبدیل شود؛ بستری که هم رفاه شهروندان را تضمین می‌کند و هم تجربه‌ای واقعی و معنادار برای گردشگران می‌سازد. در تبریز، تقویت زنجیره‌های محلی تأمین غذا، حمایت از کشاورزان و تولیدکنندگان خرد و ایجاد بازارچه‌های در دسترس محله‌ای، نقش کلیدی در ارتقای امنیت غذایی شهری ایفا می‌کند.

نوشهرگرایی با تأکید بر محله‌محوری، فضاهای عمومی فعال و کاهش وابستگی به خودرو، می‌تواند دسترسی فیزیکی شهروندان به منابع غذایی سالم را بهبود بخشد. توسعه مسیرهای پیاده‌محور و حمل و نقل عمومی کارآمد، امکان دسترسی آسان‌تر گروه‌های کم‌درآمد، سالمندان و کودکان به بازارها و مراکز عرضه غذا را فراهم می‌کند، در نتیجه، نابرابری‌های غذایی را کاهش می‌دهد. در این میان، بازآفرینی فضاهای عرضه غذا، به ویژه بازار تاریخی تبریز، می‌تواند نقشی فراتر از یک جاذبه گردشگری داشته باشد و به عنوان هسته‌ای برای توزیع غذای سالم، حمایت از تولید محلی و تقویت امنیت غذایی شهری عمل کند.

همزمان، پیوند امنیت غذایی با گردشگری شهری می‌تواند به افزایش تاب‌آوری اقتصادی شهر کمک کند. گردشگری غذایی مبتنی بر محصولات بومی و فصلی، ضمن ایجاد درآمد برای تولیدکنندگان محلی، به حفظ تنوع غذایی و کاهش وابستگی به زنجیره‌های غذایی ناپایدار کمک می‌کند. در چنین رویکردی، گردشگران نه‌تنها مصرف‌کننده، بلکه آگاهانه در چرخه غذایی شهر مشارکت می‌کنند و با فرهنگ غذایی محلی پیوند می‌خورند.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

پیشنهادهای پژوهشی با تمرکز بر امنیت غذایی: برای تقویت بُعد امنیت غذایی در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی شهری تبریز، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده بر محورهای زیر متمرکز شوند:

۱ـ تحلیل وضعیت امنیت غذایی شهری در تبریز با تأکید بر دسترسی مکانی، اقتصادی و فرهنگی به غذای سالم در محلات مختلف؛

۲ـ بررسی نقش بازارهای محلی و سنتی در کاهش ناامنی غذایی و افزایش تاب‌آوری زنجیره تأمین غذا در شهر؛

۳ـ مطالعه تأثیر نوشهرگرایی و طراحی محله‌محور بر بهبود دسترسی گروه‌های آسیب‌پذیر به منابع غذایی؛

۴ـ ارزیابی سیاست‌های حمایتی از تولیدکنندگان خرد و بومی و نقش آن‌ها در پایداری امنیت غذایی شهری؛

۵ـ بررسی پیوند گردشگری غذایی و امنیت غذایی و میزان تأثیر آن بر تنوع غذایی، اشتغال محلی و عدالت غذایی؛

۶ـ مطالعه الگوهای مصرف غذا در میان شهروندان و گردشگران و پیامدهای آن بر سلامت عمومی و امنیت غذایی شهر.

در نهایت، تمرکز آگاهانه بر امنیت غذایی به عنوان هسته اصلی نوشهرگرایی و گردشگری شهری در تبریز می‌تواند به شکل‌گیری شهری تاب‌آور، عادلانه و انسان‌محور منجر شود؛ شهری که در آن غذای سالم نه یک امتیاز، بلکه حقی همگانی است و توسعه گردشگری در خدمت تقویت این حق اساسی قرار می‌گیرد.

لازم به ذکر است مقاله حاضر، برگرفته از رساله دکتری رشته شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز با عنوان «کاربست اصول نوشهرگرایی در توسعه گردشگری هسته مرکزی شهرها (نمونه موردی: شهر تبریز)» است.

مشارکت نویسندگان

محمدحسین کنگری: نگارش مقاله، پژوهش در جمع‌آوری اطلاعات.

مصطفی بهزادفر: راهنمایی و هدایت پژوهش.

اکبر عبداله‌زاده طرف: مشارکت در تحقیق و تدوین.

حسن ستاری ساربانقلی: مشاوره در نگارش مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

در تنظیم مقاله و پیشنهاد منابع مرتبط از هوش مصنوعی chatGPT و Grok استفاده شده است.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

References

1. Qi J, Mazumdar S, Vasconcelos AC. Understanding the Relationship between Urban Public Space and Social Cohesion: A Systematic Review. Int J Community Well-Being. 2024; 7(2): 155-212.

2. Perez-Pereda MJ, Krstikj A, Ramirez-Marquez JE. Improving fairness and equity by minimizing community vulnerability to food accessibility: A computational urbanism approach. Soc Indic Res. 2024; 171(2): 567-584.

3. Fusté-Forné F. Marketing places through food markets' supply. Food Hum. 2023; 1: 22-27.

4. CNU & HUD. Principles for inner-city neighborhoods. Congress for the New Urbanism and U.S. Department of Housing and Urban Development; 2000.

5. Crespi-Vallbona M, Noguer-Juncà E. The role of summer markets in promoting authenticity and social sustainability of the regions: The case of La Santa market (Catalonia, Spain). Int J Gastronomy Food Sci. 2024; 36: 100924.

6. Food and Agriculture Organization of the United Nations. The state of food security and nutrition in the world 2023. Rome: FAO; 2023.

7. Ziegler J, Golay C, Mahon C, Way SA. The fight for the right to food: Lessons learned. Rome: FAO; 2011.

8. Kim YG, Eves A, Scarles C. Building a model of local food consumption on trips and holidays: A grounded theory approach. Int J Hosp Manag. 2009; 28(3): 423-431.

9. Talen E. New urbanism and American planning: The conflict of cultures. New York: Routledge; 2005.

10. Hospers GJ. City branding: The ghostly politics of representation in globalising cities. London: Routledge; 2019.

11. Béné C, Devereux S. Resilience and Food Security in a Food Systems Context. Palgrave studies in agricultural economics and food policy. Cham: Palgrave Macmillan Cham; 2023. p.413.

12. Stone TF, Huckins EL, Hornbuckle EC, Thompson JR, Dentzman K. Equity and resilience in local urban food systems: A case study. Agric Human Values. 2024; 41(3): 1239-1256.

13. Haysom G, Battersby J. Urban food security and resilience. In: Béné C, Devereux S, editors. Resilience and food security in a food systems context. Cham: Palgrave Macmillan; 2023. p.355-388.

14. Battersby J, Brown-Luthango M, Fuseini I, Gulabani H, Haysom G, Jackson B, et al. Bringing together urban systems and food systems theory and research is overdue: Understanding the relationships between food and nutrition infrastructures along a continuum of contested and hybrid access. Agric Human Values. 2024; 41(2): 437-448.

15. Pradhan P, Subedi DR, Dahal K, Hu Y, Gurung P, Pokharel S, et al. Urban agriculture matters for sustainable development. Cell Reports Sustainability. 2024; 1(9): 100217.

16. Ikudayisi AA. Urban food security and socioeconomic sustainability: A multidimensional perspective. Green Technologies and Sustainability. 2024; 2(2): 100080.

17. El-Bardisy N. Urban culture as a challenge of enhancing social interaction in public spaces. Discov Cities. 2024; 1: 27.

18. Sgroi F. Sustainability and culinary traditions? Understand the role of historical markets in the development of agri-food and local gastronomy from the perspective of behavioral economics. Int J Gastronomy Food Sci. 2023; 34: 100809.

19. Edwards F, Sonnino R, López Cifuentes M. Connecting the dots: Integrating food policies towards food system transformation. Environ Sci Policy. 2024; 156: 103735.

20. Donner M, Mames M, Vries H. Towards sustainable food systems: A review of governance models and an innovative conceptual framework. Discover Sustainability. 2024; 5: 414

21. Huan Y, Nijhuis S, Tillie N. Design knowledge of urban agriculture providing ecosystem services: A systematic literature review. Urban Forestry and Urban Greening. 2024; 101: 128522.

22. Carey J. Urban and peri-urban agriculture for food security in a food-sensitive city. Edited by Viljoen A, Bohn K. In: Continuous productive urban landscapes: Designing urban agriculture for sustainable cities. 2nd ed. Oxford: Architectural Press; 2013. p.1-15.

23. City of Melbourne. Food city: A vision for a resilient food system. City of Melbourne; 2019. Available at: https://www.melbourne.vic.gov.au/food-policy.

24. Morgan K. Nourishing the city: The rise of the urban food question in the Global North. Urban Stud. 2015; 52(8): 1379-1394.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.